****

[حد مشعر 1](#_Toc488838258)

[حد مشعر در فرض ازدحام 1](#_Toc488838259)

[(مسألة 372): بررسی وجوب بیتوته به مشعر الحرام در شب عید قربان 3](#_Toc488838260)

[بررسی ادله وجوب بیتوته به مشعر الحرام در شب عید قربان 4](#_Toc488838261)

[دلیل اول 4](#_Toc488838262)

[دلیل دوم 4](#_Toc488838263)

**موضوع**: احکام مشعر /وقوف در مشعر /واجبات حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## حد مشعر

گفته شد حد مشعر الحرام از مازمین است که دو کوهی است در ابتداء مشعر الحرام تا وادی محسر، و لکن در حال ازدحام جمعیت، روایت سماعه می گوید: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا كَثُرَ النَّاسُ بِجَمْعٍ- وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ- قَالَ يَرْتَفِعُونَ إِلَى الْمَأْزِمَيْنِ[[1]](#footnote-1).

### حد مشعر در فرض ازدحام

البته در کلمات علماء تعبیر عجیبی آمده، فرموده اند در فرض ازدحام در مشعر، یرتفعون الی الجبل.

در حالی که ارتفاع الی الجبل مربوط به عرفات است و بعید است که مقصودشان مازمین باشد، زیرا اصطلاحا به مازمین جبل نمی گویند، بلکه طریق ضیق بین الجبلین را می گویند، در فاصله عرفات تا مشعر دو طریق تنگ بین الجبلین داریم که از آن جا وارد مشعر می شوند و اگر توجیه شود که مقصودشان از جبل، همان مازمین است، کلام صاحب وسائل که هر دو را با هم مطرح کرده، قابل توجیه نیست، در باب: جَوَازِ الِارْتِفَاعِ فِي الضَّرُورَةِ إِلَى الْمَأْزِمَيْنِ أَوِ الْجَبَلِ‌[[2]](#footnote-2)

دو روایت هم نقل کرده، روایت دوم این روایت است: مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ مِثْلَهُ وَ زَادَ قُلْتُ فَإِنْ كَانُوا بِالْمَوْقِفِ كَثُرُوا وَ ضَاقَ عَلَيْهِمْ- كَيْفَ يَصْنَعُونَ قَالَ يَرْتَفِعُونَ إِلَى الْجَبَلِ.[[3]](#footnote-3)

صاحب وسائل این روایت را نیز به مشعر زده و نتیجه گرفته در حال ازدحام، بر مازمین یا جبل می­شود رفت، در حالی که ایشان متن و سند روایت را ناقص نقل کرده است، در تهذیب آمده است: سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَمَاعَةَ الصَّيْرَفِيِّ عَنْ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِذَا كَثُرَ النَّاسُ بِمِنًى وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ فَقَالَ يَرْتَفِعُونَ إِلَى وَادِي مُحَسِّرٍ قُلْتُ فَإِذَا كَثُرُوا بِجَمْعٍ وَ ضَاقَتْ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ فَقَالَ يَرْتَفِعُونَ إِلَى الْمَأْزِمَيْنِ قُلْتُ فَإِذَا كَانُوا بِالْمَوْقِفِ وَ كَثُرُوا وَ ضَاقَ عَلَيْهِمْ كَيْفَ يَصْنَعُونَ فَقَالَ يَرْتَفِعُونَ إِلَى الْجَبَلِ وَ قِفْ فِي مَيْسَرَةِ الْجَبَلِ فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص وَقَفَ بِعَرَفَاتٍ ... [[4]](#footnote-4)

از این روایت معلوم می شود که مقصود از این موقف، عرفات است و ربطی به مشعر ندارد.

مرحوم حکیم در دلیل الناسک گفته وقوف در مشعر واجب است و در فرض ازدحام نمی شود روی مازمین رفت، زیرا مازمین که مشعر نیست.

اما به تعبیر محقق خوئی، این اجتهاد در مقابل نص است و با وجود نص، مازمین، مشعر تعبدی در حال ازدحام می شود.

برخی مباحث مثل قصد جزئیت و عنوان و قصد قربت را در وقوف به عرفات بحث کرده ایم و دیگر تکرار نمی کنیم.

## (مسألة 372): بررسی وجوب بیتوته به مشعر الحرام در شب عید قربان

**إذا أفاض الحاج من عرفات‌ فالأحوط أن يبيت ليلة العيد في المزدلفة و ان كان لم يثبت وجوبها.[[5]](#footnote-5)**

مشهور قائلند در شب عید قربان، حجاج از عرفات باید به مشعر بروند و تا اذان صبح در آن جا بیتوته کرده و بین الطلوعین هم وقوف کنند، اما وجوب بیتوته به مشعر محل بحث واقع شده است (البته اگر واجب باشد، باز هم ترک عمدی آن مخل به حج یا موجب کفاره نیست)، مشهور آن را واجب دانسته اند، اما محقق خوئی احتیاط واجب داده اند، زیرا فرموده بیتوته به مشعر شود، و ان کان لم یثبت وجوبها و مفاد این عبارت، احتیاط واجب است.

صاحب جواهر گفته مقتضای صناعت، وجوب بیتوته است و ادله ای هم بر آن ذکر کرده است:

### بررسی ادله وجوب بیتوته به مشعر الحرام در شب عید قربان

#### دلیل اول

تاسی به پیامبر صلی الله علیه و آله که حضرت در شب دهم، در مشعر الحرام بیتوته کردند.

نقد دلیل اول

تاسی به حضرت واجب نیست، بلکه مستحب است، بلکه اصلا معلوم نیست که حضرت به عنوان استحباب در مشعر بیتوته کرده باشد، بلکه طبع قضیه این بوده که در مشعر توقف کنند تا صبح که بتوانند بین الطلوعین را وقوف کنند.

خذوا عنی مناسککم نیز شاید به این معنا باشد که تعلموا عنی مناسککم، سلمنا؛ و لکن از کجا معلوم که حضرت بیتوته را به عنوان مناسک حج انجام داده باشند؟ اللهم الا ان یقال این که حضرت نماز مغرب و عشاء را به تاخیر انداختند تا در مشعر بجا آورند، نشان دارد از این که خواسته اند سریع تر بیتوته مشعر را درک کنند و این گونه اثبات شود که بیتوته در مشعر، داخل در مناسک حج است و لکن باز هم وجوب آن اثبات نمی شود، کما این که شاید حضرت خواسته اند در عرفات نمانند، زیرا بقاء در عرفات بعد از اتمام وقوف، مکروه است.

#### دلیل دوم

صحیحه حلبی: مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ وَ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: وَ لَا تُجَاوِزِ الْحِيَاضَ لَيْلَةَ الْمُزْدَلِفَةِ.[[6]](#footnote-6)

این روایت از گذر کردن از وادی محسر در شب عید قربان نهی کرده و معنایش لزوم بقاء در مشعر است.

نقد دلیل دوم

اولا: ممکن است تجاوز از وادی محسر نکنیم، اما از همان عرفات به مکه برویم یا در همان عرفات بمانیم.

ثانیا: عبور از وادی محسر در شب عید قربان قطعا حرام نیست، عبوری که بعد از آن، رجوع به مشعر نباشد، بلکه نفر به منی باشد، حرام است، و گرنه چند قدم خارج شدن از این حد و برگشتن به آن قطعا و بالضرورة مورد نهی صحیحه نیست.

ثالثا: کامل این روایت، در کافی آمده است: عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ وَ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ: لَا تُصَلِّ الْمَغْرِبَ حَتَّى تَأْتِيَ جَمْعاً فَتُصَلِّيَ بِهَا الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِقَامَتَيْنِ وَ انْزِلْ بِبَطْنِ الْوَادِي عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ قَرِيباً مِنَ الْمَشْعَرِ وَ يُسْتَحَبُّ لِلصَّرُورَةِ أَنْ يَقِفَ عَلَى الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ يَطَأَهُ بِرِجْلِهِ وَ لَا يُجَاوِزِ الْحِيَاضَ لَيْلَةَ الْمُزْدَلِفَةِ ... [[7]](#footnote-7)

و ممکن است لایجاوز الحیاض عطف بر ان یقف باشد که دیگر دال بر حرمت نخواهد بود.

البته بعید هم نیست ظاهرش این باشد که به صدر بخورد، مخصوصا در نقل هایی که لاتجاوز دارد، یعنی ممکن است و یستحب معترضه باشد، اما مابقی به صدر برگردد.

ولی باز هم با نقل لایجاوز که بر اساس صیغه تخاطب نیست، ممکن است عطف بر ان یقف باشد.

رابعا: سیاق این روایت بر اساس نقل کافی، بیان مستحبات است و این که لایجاوز حکم الزامی باشد، خلاف ظهور سیاق استحبابی است.

ان قلت: وَ رَوَى زُرْعَةُ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع ... فَإِذَا أَتَيْتَ مُزْدَلِفَةَ وَ هِيَ جَمْعٌ فَانْزِلْ فِي بَطْنِ الْوَادِي عَنْ يَمِينِ الطَّرِيقِ قَرِيباً مِنَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ فَإِنْ لَمْ تَجِدْ فِيهِ مَوْضِعاً فَلَا تُجَاوِزِ الْحِيَاضَ الَّتِي عِنْدَ وَادِي مُحَسِّرٍ فَإِنَّهَا فَصْلُ مَا بَيْنَ جَمْعٍ وَ مِنًى وَ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ بِأَذَانٍ وَاحِدٍ وَ إِقَامَتَيْنِ ثُمَّ صَلِّ نَوَافِلَ الْمَغْرِبِ بَعْدَ الْعِشَاءِ وَ لَا تُصَلِّ الْمَغْرِبَ لَيْلَةَ النَّحْرِ إِلَّا بِالْمُزْدَلِفَةِ ... [[8]](#footnote-8)

روایت می گوید اگر در مشعر الحرام جا نبود، نباید به وادی محسر رفت، وادی محسر بین مشعر و منی واقع شده است.

(سند صدوق به حدیث ابو بصیر ضعیف است، اما سند وی به زرقه معتبر است.)

قلت: این روایت ظهور ندارد در این که شب نباید از آن جا تجاوز کرد، بلکه شاید ارشاد باشد به این که آن مکان جزء مشعر الحرام نیست.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص19، أبواب جواز الارتفاع فی الضروره الی المازمین...، باب9، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/19/ضاقت) [↑](#footnote-ref-1)
2. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 19؛ 9 باب جواز الارتفاع في الضرورة إلى المأزمين أو الجبل ؛ ج 14، ص : 19](http://lib.eshia.ir/11025/14/19) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 19؛ 9 باب جواز الارتفاع في الضرورة إلى المأزمين أو الجبل ؛ ج 14، ص : 19](http://lib.eshia.ir/11025/14/19) [↑](#footnote-ref-3)
4. [تهذيب الأحكام؛ ج‌5؛ 180؛ 13 باب الغدو إلى عرفات ؛ ج 5، ص : 178](http://lib.eshia.ir/10083/5/180) [↑](#footnote-ref-4)
5. [مناسك الحج (للخوئي)، ص: 161‌](http://lib.eshia.ir/21006/1/159) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشيعة؛ ج‌14؛ 18؛ 8 باب حدود المشعر الذي يجب الوقوف به ؛ ج 14، ص : 17](http://lib.eshia.ir/11025/14/19) [↑](#footnote-ref-6)
7. [الكافي (ط - الإسلامية)؛ ج‌4؛ 468؛ باب ليلة المزدلفة و الوقوف بالمشعر و الإفاضة منه و حدوده ؛ ج 4، ص : 468](http://lib.eshia.ir/11005/4/468/%D9%81%D8%AA%D8%B5%D9%84%DB%8C) [↑](#footnote-ref-7)
8. [من لا يحضره الفقيه؛ ج‌2؛ 544؛ الإفاضة من عرفات ؛ ج‌2، ص : 543](http://lib.eshia.ir/11021/2/543) [↑](#footnote-ref-8)